

لوطیان و نقش آنان در آشوب‌های اصفهان بین سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۵ هـ. ق

برابر با ۱۸۲۴ تا ۱۸۴۹ م .

محمد رضا نصیری* / داریوش رحمانیان** / سیدحسین رضوی خراسانی***

دریافت مقاله: ۹۴/۰۴/۱۰

پذیرش مقاله: ۹۴/۰۶/۳۰

چکیده

لوطی و لوطیگری در فرهنگ و تحولات اجتماعی ایران تاریخی دیرپا دارد. سرچشمه‌های کهن و آرمانی این پدیده اجتماعی عمری به درازای تاریخ جوانمردی دارد که آبخور آن را در ایران باستان و فرهنگ عیاری و فتوت دوره اسلامی می‌توان جستجو کرد. این پدیده اجتماعی ریشه‌دار با فراز و فرودهای بسیار در طول تاریخ، به تدریج، در دوره قاجار به انحطاط گرایید. صرف نظر از یک سلسله ارزش‌گذاری‌های اخلاقی و اجتماعی، بررسی نقش لوطیان در تحولات سیاسی و اجتماعی شهرهای ایران عصر قاجار، به لحاظ تاریخ اجتماعی و محلی، اهمیت بسیاری دارد. پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از برخی نظریات جامعه‌شناختی، به ویژه نظریه کارکردگرایی و کج‌روی، ضمن بازشناسی هویت اجتماعی لوطیان به بررسی کارکردهای آنان بپردازد و ضرورت حضور آنها را در تحولات سیاسی و شورش‌های اصفهان بین سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۵ ق تبیین کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لوطیان در شهرهای بزرگ ایران، به ویژه اصفهان، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر ایران در قرن سیزدهم ق/ نوزدهم م، عامل همیشه حاضر شورش‌ها و مهم‌ترین پیشگام و ارتش گروه‌های با نفوذ و بعضاً طبقات تنگدست جامعه در مبارزه با عناصر حکومت بودند. ابعاد شورش سال‌های مذکور در دوره پادشاهی فتحعلیشاه، محمدشاه و اوایل حکومت ناصرالدین شاه و اوج کشتار و خونریزی‌ها نشان از عمق این حوادث دارد. به رغم اینکه لوطیان دوره قاجار به تدریج از جایگاه پرجاذبه پاسداری از میراث جوانمردی به حربه‌ای در دست اصحاب گروه‌های با نفوذ، تنزل یافتند، بررسی نقش این پدیده اجتماعی در حیات اجتماعی و فرهنگی شهرهای ایران، مطالعات در حوزه تاریخ اجتماعی و محلی را غنا می‌بخشد و در ارتقای تاریخ اجتماعی ایران نیز حائز اهمیت بسیار است.

کلیدواژه: لوطیان، جوانمردان، شورش، اصفهان، کارکردگرایی.

* استاد دانشگاه پیام نور. پست الکترونیک: secretary@persianacademy.ir

** استادیار تاریخ دانشگاه تهران. پست الکترونیک: rahmanian@ut.ac.ir

*** دانشجوی دکتری رشته تاریخ دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول). پست الکترونیک: h.razavi.1965@gmail.com

مقدمه

فرضیه ما بر این اصل استوار است که، با توجه به نقش تاریخی عیاران و اهل فتوت، یعنی اسلاف لوطیان در تحولات اجتماعی و سیاسی عصر خود، لاجرم لوطیان نیز با توجه به کارکرد خود در عهد قاجار نقش مهمی در شورش‌های اجتماعی داشته‌اند. در واقع مهم‌ترین کارکرد لوطیان ایجاد شورش در جهت اهداف نخبگان سیاسی و مذهبی بود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که لوطیان، اعم از جوانمردان و لوطیانی که به دلایل اجتماعی سیاسی و فرهنگی به انحطاط اخلاقی و کج کارکرد تبدیل شده و به اوباش تنزل یافته بودند، عامل همیشه حاضر بودند و نقشی مهم در ایجاد و اداره شورش‌ها و نارضایتی‌ها برعهده داشته‌اند و گاه به اندازه‌ای قدرتمند بودند که در مواقع بحرانی به اشاره رهبران خود بر محلات و حتی شهرهای خود مسلط می‌شدند. اما به علت اینکه بخشی از آنان فاقد بینش عمیق سیاسی و اجتماعی و دینی بودند به عنوان سرباز و ارتش نخبگان سیاسی و دینی وارد عمل می‌شدند و نقش مهمی در ایجاد فشار بر حکومت داشته‌اند. مطالعه در باب لوطیان دوران قاجار، با توجه به نبود منابع لازم با دشواری‌های جدی روبرو است. اما یادداشت‌های گران‌سنگ عبدالله مستوفی در شرح زندگانی من در باب راه و رسم لوطیان؛ یادداشت‌های دقیق محمدتقی لسان‌الملک سپهر در ناسخ التواریخ از حوادث اصفهان؛ و اعتمادالسلطنه در تاریخ منتظم

سیطره استبداد بر تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری در ایران و نیز حاکمیت سنت تاریخ‌نویسی سنتی سبب شده است در بررسی یک رویداد تاریخی و یا ثبت و ضبط حوادث تاریخی بسیاری از عناصر، لایه‌ها و اجزای جامعه، که در جای خود سهم مهم و شایسته‌ای در خلق یک حادثه داشته‌اند، دیده نشود. این نگرش مورخان سنتی دو پیامد را به دنبال داشته است: یکی برداشت‌های یک جانبه و بررسی گزینشی رویدادها؛ دوم فقر شدید منابع پیرامون تاریخ مردم و لایه‌های اجتماعی آن.

پژوهش حاضر سعی دارد ضمن بررسی پیشینه تاریخی لوطیان، با بهره‌گیری از نظریات کج‌روی و کارکردگرایی پارسونز^۱ و مرتن^۲، کارکرد این پدیده اجتماعی در جامعه دوره قاجار، به‌ویژه در شورش‌های اصفهان در دوره فتحعلیشاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه نقد و بررسی کند. مسئله اصلی این پژوهش تحلیل و شناسایی کارکرد و نقش اجتماعی لوطیان در دوره قاجار به ویژه در آشوب‌های شهر اصفهان است. آشوب‌هایی که منجر به لشکرکشی فتحعلیشاه (۱۲۴۰ ق) محمدشاه (۱۲۵۵ ق) و ناصرالدین‌شاه به اصفهان (۱۲۶۵ ق) شد.

در واقع این پژوهش به دنبال پاسخی برای این سئوالات است: لوطیان چه کسانی بودند و چه پیشینه و جایگاهی در جامعه قاجار داشتند؟ در شورش‌های اصفهان چه نقشی داشتند؟ و چرا؟ و نقش و کارکرد آنها در این شورش‌ها چه بود؟

1 . Parsonz

2 . Merton

نگرشی بر جامعه اسلامی ایران راهگشای بسیاری از تحقیقات بعدی شد. مطالعه مبتنی بر شواهد می‌گود، که البته با اشتباهاتی نیز همراه است. مطالعات آراسته در مقاله شخصیت سازمان و نقش اجتماعی لوطیان (جوانمردان) در جامعه سنتی ایران سده نوزدهم؛ هما ناطق تحت عنوان لوطیان و اسلام؛ مقاله انگلیسی تأثیر لوطی در جنبش مشروطه ایران، تألیف اصغر فتحی و برخی مقالات داخلی. اما بیشتر این آثار تحت تأثیر اثر فلور و یا صرفاً توصیفی است؛ مع‌هذا گامی مثبت و درخور تحسین است؛ نظیر مقاله خانم نادره جلالی با عنوان «لوطی‌گری در دوره قاجار»؛ «مرام و مسلک لوطیان دوره قاجار»؛ از محمدرضا یگانه؛ مقاله‌ای از یعقوب آرژند تحت عنوان «نمایش‌های ارباب معرکه در دوره قاجار؛ علی بلوکباشی تحت عنوان پدیده‌ای به نام لوطی و لوطی‌گری در حیات اجتماعی ایران؛ پرتو بیضایی در کتاب تاریخ ورزش باستانی ایران؛ مقالات ساسان فاطمی چلونگر و خالدی؛ سه پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عناوین لمپنیسم در دوره قاجار و پهلوی، اصفهان در دوره محمدشاه و پایان‌نامه لوطی و لوطی‌گری در عهد قاجار، تألیف ربابه معتقدی از دانشگاه شهید بهشتی و پاره‌ای از مقالات دیگر، گام‌های اولیه در این مسیر محسوب می‌شود.

خاستگاه لوطیان

ناصری؛ رضاقلی‌خان‌هدایت در فهرس التواریخ؛ یادداشت‌های ظل‌السلطان و عبدالحسین‌خان ملک‌المورخین و بیان برخی از حوادث اصفهان توسط مورخانی چون خورموجی در حقایق‌الاحبار ناصر؛ محمدیوسف هروری در عین‌الوقایع؛ مفتون دنبلی در مآثر سلطانیه؛ صدیق‌الممالک، میرزا ابراهیم شیبانی در منتخب‌التواریخ؛ افضل‌الملک در افضل‌التواریخ؛ اعتضادالسلطنه در اکسیرالتواریخ؛ گونه‌شناسی بسیار ارزشمند لوطیان توسط میرزا حسین تحویلدار؛ احمد کسروی در تاریخ مشروطه ایران و چند اثر معدود دیگر تا حدود زیادی راهگشا و غنیمت است. افزون بر آن خاطرات سیاحان اروپایی نیز بسیار حائز اهمیت است؛ مانند سفرنامه اوژن فلاندن^۱، اوژن اوبن^۲، ادوارد پولاک^۳، کنت گوبینو^۴، لیدی شیل^۵، هنری پاتینجر^۶، جیمز فریزر^۷ و مورس دوکرتزبوه^۸، مور^۹، هوگو کروت^{۱۰} و بینینگ^{۱۱} به سبب تصویری که از لوطیان و نیز فضای اجتماعی ایران ارائه می‌دهند، بسیار مهم است. در زمینه مطالعات اخیر تا کنون تحقیقات جامعی در این خصوص صورت نگرفته است. به ویژه در باب لوطیان اصفهان. مطالعه در باب لوطیان فراوان نیست؛ اما تحقیقات عالمانه ویلم فلور در تاریخ اجتماعی ایران، و ونسا مارتین در کتاب عهد قاجار، اهمیت درجه اول دارند. افزون بر آن، بر اینکه تحقیقات عالمانه و اشارات بسیار کوتاه آن لمتون در کتاب

7 . Jemz Frizer

8. Morse Dokertezboue

9 . Moor

10 . Hogo Kerout

11. Bining

1. Ogen Flandon.

2. Ogen Oben

3. Edward Polula

4 . Count Gobino

5 . Lady Shil

6 . Henry Patinger

برای حفظ پناه‌آورنده دفاع کند (همان). با فروپاشی ساسانیان و ورود اعراب مسلمان، عیاران در گروه‌های اجتماعی و سیاسی نظم و شکل یافتند و منشأ تحولاتی در تاریخ ایران شدند. مالیات‌های سنگین و ظلم و جور والیان و عاملان دستگاه خلافت زمینه‌های اجتماعی و سیاسی تحركات جوانمردان عیار را فراهم ساخت. عیاران در واقع یک نیروی مخالف در مقابل حکام مستبد و نوعی تکیه گاه برای افراد مستمند تلقی می‌شدند (صبوری زالو آبی، ۱۳۹۱، ۱۶۷). آنان واکنش و عکس‌العملی در برابر اوضاع بد اجتماعی و سیاسی عصر خود و عملکرد بد حکام زمانه بودند (شعبانی، ۱۳۸۱: ۲۲۹). شدت و دامنه فعالیت‌های آنان در شهرهای خراسان، سیستان و عراق منشأ تحولات سیاسی بزرگی بود که تأسیس صفاریان نمونه‌ای از آن است. (تاریخ سیستان، بی‌تا: ۱۹۳؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۱۹). جوانمردی با ریشه‌های عمیق فطری و دیرینگی بسیار در فرهنگ ایران باستان که تداعی کننده صفاتی چون راستی، صفا، انصاف، شجاعت، سخاوت، وفاداری، ایثار و غریب‌نوازی است (ارجانی، ۱۳۶۳: ۳۸/۳؛ کربن، ۱۳۸۳: ۳۸۳؛ خواندمیر، ۱۳۵۳: ۳۶/۲؛ بهار، ۱۳۷۶: ۱۷؛ قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۷) در سیر تاریخی خود به صورت‌های گوناگون جلوه‌گر شد. روزگاری به صورت عیاران و روزگاری دیگر با گرایش به زهد و تصوف به آیین فتوت مبدل گردید. فتوت مجموعه سازمان‌های اجتماعی بودند که تا اوایل دوران جدید در تمامی جوامع شهری شرق جهان اسلام گسترده و منشأ بسیاری از تحولات اجتماعی

نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل یک پدیده تاریخی بدون بررسی خاستگاه و ریشه‌های تاریخی آن سبب درک ناقصی از یک رویداد و جریان تاریخی است. به طور قطع لوطی و لوطی‌گری و لوطیان ادامه یک جریان و پدیده تاریخی‌اند. برخی از محققان برجسته با توجه به شباهت‌های بسیار در نوع کارکرد عیاران، اهل فتوت و لوطیان، طبقه معروف به داش، لوطی و مشدی‌های دوره قاجار را باقیمانده انحطاط یافته، تشکیلات اهل فتوت و عیاران می‌دانند (لمتون، بی‌تا: ۱۸؛ زرین کوب، ۱۳۸۷: ۱۷۰؛ مارتین، ۱۳۹۰: ۱۴۱؛ Lamton, 1945:262؛ ترکمنی آذر و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۵). برخی از صاحب‌نظران همانند فرانتس تیشنر^۱ و مهرداد بهار قدمت عیاران و جوانمردان را به پیش از اسلام می‌رسانند. (بهار، ۱۳۷۶: ۱۷۲). بهار با توجه به قدمت کتاب سمک عیار قدمت عیاری را در پیوند با دوره اشکانیان می‌داند. نظیر ساخت کاملاً ملوک الطوائف جامعه در داستان سمک عیار، آغاز ذکر شاهان با کیومرث و پایان بردن آن به نام اسکندر، وجود نام‌های غیراسلامی و سوگند به یزدان دادار و نور و نار و مهر. (بهار، همان؛ ارجانی، ۱۳۶۳: ۴۱۳/۲؛ ۴۱۳/۱؛ ۳۲/۴؛ ۳۴۹/۵؛ کربن، ۱۳۸۳: ۱۵۶). شاید اولین سازمان منظم پهلوانی - جوانمردی که در ایران باستان بنا نهاده شده است، تشکیلات اسواران بود. آنان شجاع و راست‌قد و راست‌گو و صاحب هنر و سلحشور و جوانمرد بودند (عروج نیا، ۱۳۹۳: ۳۵). جوانمرد باید از هموطن و هم کیش خود دفاع کند، اگر کسی به او پناه آورد او را پناه دهد و جانش را

محققانی چون بارت^۲، ولمن^۳، پاتنام^۴، کلمن^۵، بوردیو^۶ و فوکویاما^۷ در باب جنبه‌های مختلف اهمیت سرمایه اجتماعی مثل اعتماد و همکاری و اخلاق و صمیمیت و کسب انواع موفقیت‌های ناشی از آن تأکید فراوان دارد. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۸؛ فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۲) ضایع شدن سرمایه اجتماعی جوانمردان آرام آرام زمینه‌های افول آنها را فراهم کرد و از اعتبار به ابتدال انجامید.

به تدریج بخش‌هایی از سازمان فتوت در مسیر انحطاط گام نهاد و اشارات ابن معمار در کتاب الفتوه و میرسید علی همدانی در رساله فتوه و انتقادهای تند اوحدی به اعمال ننگ‌آور برخی از اخیان آسیای صغیر و انتقادهای شدید عبدالواسع جبلی در اشعارش حکایت از انحطاط اخلاقی لنگرها و زوایای اهل فتوت دارد (ریاض‌خان، ۱۳۸۲: ۶۴۱؛ اوحدی مراغه‌ای، بی‌تا، ۵۶۸-۵۶۴). در دوره صفویه لنگرهای فتیان در سراسر ایران بسته شد. اهل فتوت آرام آرام بسبب ظهور طبقات لوطی و مشدی از تصوف دور افتادند. کلمه اخ و اخوی و برادر که سابقاً جوانمردان درباره یکدیگر به کار می‌بردند به کلمه داداش و داش تبدیل شد. لوطی‌ها و داش‌های دوره قاجار خود را جزو مشتیان می‌دانستند و تشابهات فراوانی بین برخی از ویژگی‌های اخلاقی آنان با اصول اخلاقی جوانمردان وجود دارد (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۱۷۰؛ ریاض‌خان، ۱۳۵۲: ۶۴۱؛ ترکمن آذر و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۵). صوفیان نیز یکدیگر را «اخی»

و فرهنگی بودند (کاهن، ۱۳۸۹: ۵۴؛ ابن بطوطه، ۱۳۶۱، ۳۱۷/۱-۳۱۵). اهل فتوت با خصلت‌های جوانمردی و سرمایه اجتماعی^۱ غنی خود و نفوذ در میان اصناف و سایر طبقات به صورت یک تصوف مدنی ریشه عمیقی در تار و پود جوامع اسلامی به ویژه ایران، ایجاد کرد. آثاری چون *ابومسلم‌نامه*، *حمزه‌نامه*، *داراب‌نامه*، *قصه حسین کرد شبستری* و *اسکندرنامه* نشان از نفوذ فرهنگ عیاری و جوانمردی در میان توده‌های عامه است (ولایتی، ۱۳۹۲: ۲۱۰). وجود فتوت‌نامه‌هایی چون *فتوت‌نامه نجم‌الدین زرکوب* و *فتوت‌نامه تحفه الاخوان فی خصایص الفتیان عبدالرزاق کاشانی*، *فتوت‌نامه شهاب‌الدین عمر سهروردی*، *فتوت‌نامه چیت‌سازان* و *فتوت‌نامه سلطانی مولانا حسینی واعظ کاشفی سبزواری* و بسیاری دیگر، نشانی از گستردگی و وحدت سازمانی و تشکیلاتی آن است. مجموعه ویژگی اخلاقی جوانمردان به عنوان سرمایه اجتماعی در موفقیت و گسترش آنان نقش اساسی داشت؛ زیرا سرمایه اجتماعی معمولاً به افزایش همکاری و مشارکت اجتماعی افراد می‌انجامد و سبب همکاری و روابط متقابل می‌شود و با خلق هنجارها و اعتماد متقابل سبب تحقق اهداف اعضا می‌شود. (احمدی، دیگران، ۱۳۸۹: ۳۲؛ تاجبخش، ۱۳۸۵: ۲۸). گروه‌ها و جوامعی که سرمایه اجتماعی دارند می‌توانند به اهدافی دست یابند که بدون آن امکان‌پذیر نیست (تاجبخش، همان، ۵۵). امروزه

5. Burt
6. Wellman
7. Fukoyama

1. Putnam
2. Colman
3. Bordieu
4. Social Capital

یا میمون در گذرگاه‌ها از تماشاگران پول می‌گیرند (دهخدا همان؛ صدری افشار و دیگران همان) آمده است؛ زیرا در دوره قاجار این گروه از معرکه‌گیران مانند، مارگیران، رسن‌بازان، طاس‌بازان، میمون‌بازان، شعبده‌بازان و آوازه‌خوان‌ها و نوازندگان دوره گرد با عنوان لوطی نام برده می‌شد. (دهخدا، همان؛ حسین بن محمد، ۱۳۴۲: ۸۷-۸۶). درباره این گروه از لوطیان سیاحان اروپایی گزارشات جالبی در سفرنامه‌های خود برجای گذاشتند.

برخی لوطیان را از پیروان لوط نبی (ع) و از اقطاب فتوت می‌دانستند؛ ولی رفتارهایی مانند عیاران داشتند؛ همچون دستبرد و ماجراجویی (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸؛ افشاری، ۱۳۸۱: ۲۸؛ جوادی یگانه و دیگران ۱۳۹۰: ۸۱؛ دهخدا، همان). حکمت بوشهری معنی مثبت از این واژه اخذ می‌کند. به نظر او، واژه لوتی، جدا از واژه لوطی، واژه‌ای پارسی است و مشتق از هیچیک از مصادر واژه‌های عربی نیست. لوتی‌ها عیاران جوانمردی بودند که بنا به خصلت مهمان‌نوازی و سخاوت بدین نام معروف شده‌اند (جوادی یگانه، همان). لوت در عربی به معنی لخت و عور و در پارسی غذایی روزانه و هر نوع چیز خوردنی است که گرسنه‌ای را سیر کند و لوتی فرد کریم‌الطبعی است که به دیگران لوت می‌خوراند نه اینکه خود لوت خواره باشد (همان). طعام دادن از ویژگی‌های جوانمردان بود و به قول سمک عیار: «در طریق جوانمردی طعام مقدم بر کلام است» (ارجانی، ۱۳۶۳: ۲۲۳/۳) و در جایی دیگر آمده: «نشانه جوانمردی این است که سر جوانمردی‌ها نان دادن است (همان، ۴۳۳/۵). اگر لوتی را به معنای عریان عربی نیز در

می‌خواندند و در این باره به کتاب و سنت استناد می‌جستند (عبادی مروزی، ۱۳۶۲: ۷۸؛ افشاری، ۱۳۸۱: ۱۹).

لوطی در لفظ و معنا

واژه لوطی / لوتی نظیر واژه عیار دارای معانی گوناگون و گاه متضادی است. شاید این امر نشانگر کارکردهای متفاوت در دوره‌های مختلف تاریخی است. لوطی در جایی به معنای پست لواط‌کار، غلامبارة، کودک‌باز، هرزه‌کار، قمارباز، شراب‌خواره، مسخره و بی‌باک و لافزن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۷۴۹۱/۱۲؛ نفیسی، ۱۳۴۴: ۲۹۹/۴؛ معین، ۱۳۷۵: ۳۶۵۲/۳) آن‌گونه که کسایی، شاعر قرن چهارم، لوطی را با بچه‌های بی‌ریش یکی دانسته و جلال‌الدین محمد بلخی و عبیدزاکانی لوطی را شاهد باز و ناصر خسرو آنان را با شراب‌خواران و دزدان یکی دانسته است. و در جایی مرد غیرتمند و باهمت، متعصب و جوانمرد، آزاده و کسی که دارای خصلت‌های پهلوانی و جوانمردی است (انوری، ۱۳۸۳: ۱۰۶۷؛ دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۲/۱۷۴۹۱؛ معین، ۱۳۷۵: ۳۶۵۲/۳؛ نجفی، ۱۳۸۷: ۱۰۳۶؛ طهرانی، ۱۳۷۳: ۴۸؛ عمید، ۱۳۷۴: ۲۱۲۳/۳). لوتی‌گری در بیشتر فرهنگ‌ها صفت لوطی است به معنای جوانمردی، بخشندگی، آزادگی، رفتار جوانمردانه و نیز به معنای کسی که با سخاوت و دارای علو طبع است و نسبت به دوستان و بیگانگان با مروت است (دهخدا، همان؛ صدری افشار و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۹۱/۲؛ مشیری، ۱۳۷۱: ۹۲۳). در جایی اسم، عنوان برخی از سیرک‌بازان سنتی مانند کسانی که با رقصاندن اشتر یا خرس و

نظر بگیریم، لوطیان یکی از صفات برجسته اخلاقی را عدم تعلق به مادیات می‌دانستند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۴۴۵/۱) و فقر و درویشی به معنای ترک تعلقات دنیوی بود (کاشفی، ۱۳۵۰: ۵۶)

زمینه‌های اجتماعی و سیاسی حضور لوطیان در حیات اجتماعی به‌ویژه در شورش‌های اجتماعی عصر قاجار با تکیه بر نظریه کارکردگرایی و کج‌روی

بر اساس اسناد و برخی از گزارشات مورخان دوره قاجار لوطیان اصفهان در دوره فتحعلیشاه، محمدشاه و ناصرالدین شاه نقش بسیار پررنگ در شورش اجتماعی این عصر داشته و در خط مقدم خونین‌ترین نزاع‌ها و درگیری با عناصر حکومت بودند و لشکرکشی‌های سه پادشاه مزبور به اصفهان، به ویژه محمدشاه و اوج شدت عمل و اعمال سخت‌ترین شکنجه‌ها علیه رهبران لوطی نشان از محوریت و نقش فعال عناصر لوطی در این ناآرامی‌هاست (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸: ۳۹۳-۳۹۲؛ ملک‌المورخین، ۱۳۹۲: ۱۷۵-۱۷۱؛ صدیق‌الممالک، ۱۳۶۶: ۱۰۳-۱۰۱؛ لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱/۳۵۶-۳۵۵؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۴۲؛ در هونیان، ۱۳۷۹: ۳۳۰). در این بخش قصد داریم به این سؤال یک پاسخ جامع بدهیم که لوطیان چه نقشی در آشوب‌های اصفهان بین سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۵ ق داشته‌اند؟ و پرسش بعدی اینکه اگر حضور داشته‌اند دلایل اجتماعی این حضور چیست؟ مستندات و گزارشات مورخان و سیاحان

اروپایی در باب حضور جدی لوطیان در این جنبش‌ها تاکید دارند (فلاندن، ۲۵۳۶: ۱۳۵؛ دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۹۲-۱۹۱) برای تبیین علت حضور لوطیان دوره قاجار در شورش اجتماعی از نظریه و مکتب جامعه‌شناسی کارکردگرایی^۱ مدد می‌گیریم. جامعه‌شناسانی چون پارسونز، راد کلیف براون، مالینوفسکی و، به ویژه، رابرت مرتون معتقدند که هر پدیده اجتماعی در نظام اجتماعی دارای یک نوعی کارکرد است و مادامی که این کارکرد در نظام اجتماعی مقبول و تعریف شده باشد، پدیده مورد نظر دوام دارد و حیات آن تضمین می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۷۵۵؛ ریتز، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۴۴؛ ابوالحسن تنهایی، ۱۳۸۲: ۶۷؛ توسلی، ۱۳۸۰: ۲۱۲). کارکردگرایان نظام اجتماعی را دارای تعادل می‌دانند. این امر سبب می‌شود که آنها به وحدت اجزا اهمیت دهند. در نظر آنان کل و اجزا متشکله با یکدیگر در آمیخته، به وفاق رسیده، هویت واحد پیدا کرده‌اند (توسلی، همان) بنیاد کارکردگرایی بر این واقعیت استوار است که همه سنن و نهادهای اجتماعی دوام و بقایشان به کار یا وظیفه‌ای بستگی دارد که در نظام اجتماعی کل برعهده دارند (همان). بررسی نقش لوطیان هنرمند در حوزه و هدف این مقاله نیست؛ اما بررسی لوطی‌گرها و لوطیان شرور با تکیه بر کارکرد و نقش آنان در آشوب‌های اجتماعی از اهداف این پژوهش است. در جامعه استبدادزده قاجار یکی از کارکردهای اجتماعی لوطیان این بود که خود را ابزاری در برقراری عدالت اجتماعی تلقی می‌کردند و شواهدی در دست است که

1. integrative structural functionalism

آشوب‌های شهر و غارت ثروت ثروتمندان و تقسیم آن در میان فقرا میراث سنت عیاری بود که در میان لوطیان دوره قاجار دیده می‌شود. لوطیان در فکر خوشنامی محله خودشان هم بودند و آن را از تهاجم بیگانه حفظ می‌کردند و برای حمایت از اطفال یتیم و تهیدست محله خود پایمردی می‌کردند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۵۶). پیوستگی شدید لوطیان و زورخانه سبب حفظ خلیقات جوانمردی در میان لوطیان می‌شد. مرام جوانمردی با روح عدالت اجتماعی و ایجاد مساوات در جهان در میان اعضای زورخانه به شدت رواج داشت (همان). جمالزاده (۱۳۸۹: ۲۹۱-۲۸۵) از لوطیانی زورخانه‌کار در اصفهان نام می‌برد که در عصر ناصری و حکومت ظل‌السلطان بسیار محبوب بوده و همواره در جهت جلوگیری از ظلم بی‌حد مأموران دولتی از مردم حمایت می‌کردند؛ نظیر حاج معصوم، نایب محراب، و یداله زراب. ضعف و خلأ قانون و عدم نیروی انتظامی و امنیتی، از یک‌سو، و نبود عدالت اجتماعی، از سوی دیگر، سبب می‌شد تا به هنگام شورش‌ها برای توده‌ها فرصتی به وجود آید تا قانون را به دست خود گیرند و اجتهاد و تشخیص خود را ملاک تفسیر حق و عدالت قرار دهند. (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۶۳؛ فوران، ۱۳۷۷: ۲۰۵). خط مقدم و ارتش این شورش‌ها اغلب لوطیان بودند. به قول فلور (۱۳۶۲: ۲۷۷) جامعه ما قبل صنعتی قاجار به اشرار و لوطیان نیازمند بود. با کمی تفاوت، به قول کاتوزیان (۱۳۷۹: ۲۴) «حقیقت این است که دولت غیر مسئول و جامعه متمرد دو روی یک سکه‌اند». فلور با الگوبرداری از تقسیمات لوطیان تحویلدار

جامعه نیز فعالیت‌های آنها را به مثابه وسیله‌ای برای توزیع مجدد ثروت، پذیرفته بود. جامعه‌ای که در آن اصول مالیات خودسرانه و غیرعادی بود و دولت رفاه عمومی را تأمین نمی‌کرد. (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۶۳). در چنین جامعه‌ای یکی از شیوه‌ها برای تحمیل اراده عموم بر صاحبان قدرت شورش بود که دولت به خاطر هزینه‌های سیاسی و اقتصادی ناشی از بی‌نظمی، از آن وحشت داشت. نیروی عملیاتی این شورش‌ها لوطیان بودند و حضور آنان برای هماوردی با نیروی نظامی دولت عنصری حیاتی به شمار می‌آمد (همان). لوطیان دوره قاجار که خود را وارث میراث عیاران و اهل فتوت می‌دانستند، به طور سنتی، برای خود وظایفی را تعریف و اجرا می‌کردند. مستوفی (۱۳۷۱: ۴۴۵/۱) در بیان کارکرد اجتماعی لوطیان دوره قاجار می‌نویسد: «دستگیری از ضعیف، کمک به مردمان درمانده و عفیف، تعصب‌کشی از افراد جمعیت و اهل کوچه و محله و بالاخره شهر و ولایت و کشور، فداکاری ... حق‌گویی و حمایت از حق.... عدم تحمل تعدی و بی‌حسابی، از اخلاق خاصه داشی بود» شاید به همین دلیل بود که لوطیان هرگز شغل‌هایی مانند حجامی، دباغی و کناسی که به قول طوسی در اخلاق ناصری از صنعت فرومایگان بود انتخاب نمی‌کردند و شجاعات و سپاه‌گیری و ضبط ثغور و دفع دشمنان از شهر و محله که از صناعات احرار و شریفه محسوب می‌شد مورد توجه لوطیان بود. (طوسی، ۱۳۶۰: ۲۱۱) لمتون لوطیان دوره قاجار را دنباله و از اخلاف عیاران می‌داند (لمتون، ۱۳۵۱: ۷۹؛ Bonine and Keddie, 1981: 83). شرکت در

اصفهان (حسین بن محمد، ۱۳۴۲: ۸۶) آنها را به سه گروه تقسیم می‌کند: نخست هنرمندان - یعنی خوانندگان، رقصندگان، قصه‌گویان، هنرپیشگان، بندبازان و کشتی‌گیران؛ دوم، اعضای انجمن‌های برادری شبه عیار که آنها را لوطی‌گر می‌نامد و رضا آراسته به آنها جوانمردان می‌گوید؛ سوم دستجات اوباش که هر جا اقتدار مقامات ضعیف باشد کارشان رونق می‌گیرد؛ زیرا از حمایت اربابان متنفذی برخوردارند. (فلور، ۱۳۶۶: ۲۶۶-۲۴۴؛ کمبریج، ۱۳۸۸: ۵۸۹؛ حسین بن محمد، همان).

مرز میان لوطیان جوانمرد و لوطیان ناجوانمرد یا اوباش و الواط در برخی از مواقع شکسته می‌شود. بسیاری از لوطیان به علت انحطاط اخلاقی به اوباش تنزل یافتند. اما آنها را چه لوطی و جوانمرد و چه اوباش و ناجوانمرد بنامیم حقیقی بودند که در شهرهای بزرگ عامل همیشه حاضر بوده‌اند و گاه آنقدر قدرت داشته‌اند که می‌توانستند با کمترین اشاره اربابان خود بر یک محله و حتی تمام یک شهر در مواقع بحرانی تسلط یابند (کمبریج، همان؛ مارتین، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۴۳).

کسروی ضمن معرفی هر دو گروه از لوطیان، جوانمردان و ناجوانمردان و قلدرها، ویژگی مشترک آنها را شجاعت و جلادت می‌داند و ضمن تحسین لوطیان جوانمرد می‌نویسد: «ولی این نیکی در همگی آنان بود که از مرگ نترسیدندی» (کسروی، ۱۳۵۱: ۴۹۱). از نظر حکومت لوطیان گروهی هنجارشکن و کج‌رو محسوب می‌شدند. با توجه به ساختار فاسد حکومت قاجار کج‌روی لوطیان نتیجه نارسایی موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه قلمداد می‌شود. (کوئن،

۱۳۷۲: ۱۴۷). جامعه‌شناسان این گرایش به کج‌روی و هنجارشکنی را ناشی از فشارهای مالیاتی و بی‌عدالتی قلمداد می‌کنند. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۰؛ صانعی، ۱۳۷۲: ۱۶۷). در دوره قاجار همواره ارباب قدرت اعم از خاندان‌های بانفوذ محلی و اشراف، روحانیون و دربار و حتی توده‌های مردم در رقابت‌های سیاسی و مذهبی به ویژه مبارزه با حکومت از لوطیان بهره برده‌اند. حکومت قاجار ناگزیر بود به علت فقدان نفوذ و سلطه دولت در اقصی نقاط کشور (بحران نفوذ) به طرز گسترده‌ای ایجاد حکومت محلی و عدم تمرکز را در حکومت موروثی خود به نفع حامیانش در سطحی مجاز شمارد. حکومت مرکزی به علت بحران نفوذ قادر به کنترل رهبران محلی نبود (صالحی، ۱۳۸۷: ۸)؛ بنابراین ناچار بود برای حفظ موازنه دقیق قدرت، قدرتمندان محلی را به جان هم اندازد. این ساختار سیاسی سنتی جامعه قاجار که بر شکاف اجتماعی که علت شرارت جامعه را تشکیل می‌داد استوار بود و یکی از کارکردهای مهم لوطیان، به ویژه اوباش که فاقد معنویت و اصالت لوطیان پیشین بودند، شرکت در اینگونه نزاع‌ها بود که به دستور اربابان خود وارد عمل می‌شدند. لذا شورش مهم‌ترین کارکرد لوطیان بود. (فلور، ۱۳۶۶: ۲۲۷).

هر شهر دارای محلاتی بود. بین محلات شهر با وضع اجتماعی مختلف شکاف اجتماعی-اقتصادی وجود داشت. به اصطلاح به محلات اعیان‌نشین و فقیرنشین تقسیم شده بود. در محلات طبقات پایین جنبش و فعالیت لوطیان همواره نیرومند بود (همان).

عامل دیگر شکاف اجتماعی در شهرها و

اصفهان (حسین بن محمد، ۱۳۴۲: ۸۶) آنها را به سه گروه تقسیم می‌کند: نخست هنرمندان - یعنی خوانندگان، رقصندگان، قصه‌گویان، هنرپیشگان، بندبازان و کشتی‌گیران؛ دوم، اعضای انجمن‌های برادری شبه عیار که آنها را لوطی‌گر می‌نامد و رضا آراسته به آنها جوانمردان می‌گوید؛ سوم دستجات اوباش که هر جا اقتدار مقامات ضعیف باشد کارشان رونق می‌گیرد؛ زیرا از حمایت اربابان متنفذی برخوردارند. (فلور، ۱۳۶۶: ۲۶۶-۲۴۴؛ کمبریج، ۱۳۸۸: ۵۸۹؛ حسین بن محمد، همان).

مرز میان لوطیان جوانمرد و لوطیان ناجوانمرد یا اوباش و الواط در برخی از مواقع شکسته می‌شود. بسیاری از لوطیان به علت انحطاط اخلاقی به اوباش تنزل یافتند. اما آنها را چه لوطی و جوانمرد و چه اوباش و ناجوانمرد بنامیم حقیقی بودند که در شهرهای بزرگ عامل همیشه حاضر بوده‌اند و گاه آنقدر قدرت داشته‌اند که می‌توانستند با کمترین اشاره اربابان خود بر یک محله و حتی تمام یک شهر در مواقع بحرانی تسلط یابند (کمبریج، همان؛ مارتین، ۱۳۹۰: ۱۶۲-۱۴۳).

کسروی ضمن معرفی هر دو گروه از لوطیان، جوانمردان و ناجوانمردان و قلدرها، ویژگی مشترک آنها را شجاعت و جلادت می‌داند و ضمن تحسین لوطیان جوانمرد می‌نویسد: «ولی این نیکی در همگی آنان بود که از مرگ نترسیدندی» (کسروی، ۱۳۵۱: ۴۹۱). از نظر حکومت لوطیان گروهی هنجارشکن و کج‌رو محسوب می‌شدند. با توجه به ساختار فاسد حکومت قاجار کج‌روی لوطیان نتیجه نارسایی موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه قلمداد می‌شود. (کوئن،

جامعه‌شناسی کرد. مفهوم بی‌کارکرد و کژکارکرد. بی‌کارکرد به عنوان عملکردهایی که برای یک نظام دردی را دوا نمی‌کنند. یعنی کارکردهایی که در گذشته پیامدهای مثبت یا منفی داشته، اما در جامعه معاصر هیچ اثر مهمی ندارند. کژکارکرد یعنی کارکردهایی که به انحراف کشیده شده و انسجام جامعه را تهدید می‌کند. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۷۵۶). در واقع حمایت از محله در مقابل سارقان و دشمنان و تربیت کودکان یتیم و فقیر محله و حمایت از ضعیف در برابر زورمند و ستمگر از کارکردهای مثبت لوطیان در گذشته محسوب می‌شد و در سازمان و تشکیلات آنان فقط اشخاص نیکنام پذیرفته می‌شدند (کمبریچ، ۱۳۸۸: ۵۸۷). لوطیان مهم‌ترین وظیفه خود را حمایت از ضعفا و فقرا قلمداد می‌کردند و خود را ابزار و اسباب عدالت اجتماعی نشان می‌دادند (Martin, 2005: 127)؛ اما با انحطاط تدریجی بخش‌های زیادی از آنان به کژکارکردی متمایل شدند. به قول مارتین لوطیان هم مظهر هرج و مرج بودند و هم وسیله‌ای برای جلوگیری از زیاده‌روی در هرج و مرج (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۶۲) و فلور اشاره دارد که آنان به عنوان بازوی اجرایی رهبران محلی آماده بودند حتی به اهل محل خود نیز ظلم کنند (فلور، ۱۳۶۶: ۲۸۱). بینینگ می‌نویسد در شیراز قرن ۱۹م این به اصطلاح لوطیان برای هر اجتماعی اجیر می‌شوند و خود را در فعالیت‌هایی درگیر می‌کنند که اعمال برادرانه، هوشیارانه و مجرمانه در آنها به ندرت قابل تشخیص از یکدیگرند. اینها نمونه‌ای از کج‌کارکردی لوطیان در دوره قاجار بود (کمبریچ، ۱۳۸۸: ۵۸۷). گزارشات نظمیه تهران در دوره

دولت‌های ایران دوره قاجار وجود دو گروه حیدری و نعمتی است که بعد از صفویان پدید آمده بودند. این دسته‌بندی در تمام شهرهای بزرگ ایران نظیر اصفهان، تهران، تبریز و ... وجود داشت. یکی از کارکردهای لوطیان شرکت در جدال‌های مذهبی و فرقه‌ای این دو گروه بود. یکی دیگر از کارکردهای لوطیان این بود که به عنوان بازوی اجرایی رهبران محلی نظیر کلانتر و مجتهد وارد عمل می‌شدند. به خصوص لوطیانی که به عنوان فراش به استخدام روحانیون یا طلاب مدارس دینی در می‌آمدند، مأمور گردآوری مالیات‌های شرعی نظیر زکات و خمس می‌شدند (همان: ۲۸۱)؛ حاج سیاح، ۱۳۴۶: ۵۴). پولاک ضمن تأکید بر شجاعت آنها حتی اروپاییان را تشویق می‌کند برای حفاظت از خود تحت حمایت آنها درآیند: «لوطی‌های تبریز، شیراز و اصفهان به جلادت شهره‌اند. بسیار خوب و مفید است که اروپاییها در حمایت چند تن از این لوطی‌ها قرار بگیرند.» (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۸). بسیاری از نزاع‌های محله‌ای، به ویژه در ماه محرم توسط لوطیان انجام می‌شد. البته برگزاری مراسم عزاداری، علم‌کشی، طوق‌کشی و قمه‌زنی یکی دیگر از وظایف و کارکردهای دیگر آنان بود. مستوفی می‌نویسد: «گذشته از سینه‌زنی و دسته‌گردانی که عزاداری مخصوص این آقایان بود، تزیین طاق‌نماهای تکیه‌های محلات تماماً به سعی و همت این مردمان ساده و با ایمان صورت می‌گرفت. بعضی از آنها که کسب و کار و توانایی داشتند، مصارف طاق‌نمای تکیه‌ها را هم از کیسه فتوت خود می‌پرداختند (مستوفی، ۱۳۷۱: ۱/۴۴۵). مرتون دو مفهوم دیگر را نیز وارد مفاهیم

ناصری از شرارت در محلاتی مثل سنگلج، عودلجان، گودعربها، چاله میدان، چاله حصار و بسیاری از محلات دیگر نشان از توسعه دامنه این کژکارکردی و ایجاد رعب و ترس در بین مردم است. (گزارش نظمی از محلات تهران، ۱۳۷۷: صفحات متعدد؛ سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲: ۳۳؛ محیط مافی، ۱۳۶۳: ۴۵؛ مسعود انصاری، بی تا: ۴۲/۱). به تدریج، از اواسط دوره قاجار، ارتباطات اقتصادی جامعه ایران که سبب تغییراتی در سطح طبقات اجتماعی شده بود و نیز انسجام قدرت مرکزی قاجارها، خصوصاً از دوره ناصری به بعد بر کارکرد قشر اجتماعی لوطیان تأثیر گذارد و آنان را از جایگاه گذشته یعنی پاسداری از میراث جوانمردی، به حربه‌ای در دست سیاستمداران و اصحاب قدرت تبدیل کرد. (معتقدی، ۱۳۷۶: مقدمه)

زمینه های شورش در جوامع شهری دوره قاجار
برای درک زمینه‌های اجتماعی شورش‌های دوره قاجار به ویژه لوطیان یک تحلیل اجتماعی و جامعه‌شناختی از ساختار سیاسی این دوره ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. شاه یگانه مرجع برای رسیدگی به همه مسائل و امور کشوری و لشکری، فرمانده کل نیروهای مسلح کشور، ولینعمت همه افراد ملت، امر او لازم الاجرا، فرمان او لازم الاطاعه و سلطنت او موهبت الهی بود. همه افراد مردم، حتی صدر اعظم و وزیران عالی‌رتبه نوکران شاه محسوب می‌شدند. (شمیم، ۱۳۷۵: ۳۲۳). میرزا آقاخان کرمانی در نمایشنامه *سوسمارالدوله* تراژدی دردناکی است از فساد و

استبداد و غارت اهالی روستا و شهرهای ایران و وضع مالیات‌های کمرشکن، فقدان امنیت، گرسنگی، بیماری و قحطی که به واسطه عمال حکومت بر مردم تحمیل می‌شد. (رحیم‌زاده، ۱۳۴۵: ۱۶۵-۱۳۲؛ شعبانی، ۱۳۸۷: ۵۳۷). از نگاه هیأت حاکمه توده مردم فقط برای فرمان‌برداری و پرداخت مالیات خلق شده بودند و برای آنان هیچ حقی قایل نبودند الا تسلیم در برابر اوامر و نواهی عمال حکومتی (همان: ۵۴۱). ستون فقرات نظام اجتماعی و اقتصادی شهرها بودند و شالوده زندگی اقتصادی و اجتماعی در مراکز مدنی را تشکیل می‌دادند. اما رونق و شکوفایی شهرها به شدت در حال زوال و انحطاط بود. (فوران، ۱۳۹۰: ۲۶۸)، خاصه اینکه بیش از هفتاد سال جنگ داخلی بعد از انقراض صفویه و هجوم‌های اقوام بیگانه و تحولات سیاسی و اقتصادی در اروپا تأثیرات زیان‌باری بر رشد نیروهای مولد و ابزار تولید و در یک کلام بر اقتصاد ایران گذاشت (شعبانی، ۱۳۸۷: ۵۴۷؛ نعمانی، ۱۳۵۳: ۵۰؛ فوران، ۱۳۹۰: ۲۶۹-۲۶۸) اصحاب حرف در شهرها یکی پس از دیگری در برابر هجوم کالاهای خارجی و عدم نظارت دولت به زانو درآمدند. بسیاری از صنایع ریشه دار ایران مثل نوغان داری و ابریشم‌بافی نابود شد. اصفهان بزرگ‌ترین شهر ایران در قرن سیزدهم، دیگر شباهتی به دوران اوج و شکوفایی صفویه نداشت. (کمبریج، ۱۳۸۸: ۵۵۶). واتسون (۱۳۵۴: ۱۱۳-۱۱۲) در حوالی سال ۱۲۷۷ ق/ ۱۸۶۰ م می‌نویسد: «شهر نامی اصفهان دیگر آن پایتخت باشکوه دوره صفویه نیست. سیر انحطاطی آن از محوطه‌های بزرگ خالی که در دوران رونق

محصول زوال صنعت و اقتصاد ایران بودند تبدیل به بیکاران فقیر و کژکارکرد شدند و همواره پای ثابت شورش علیه حکومت بودند. تاریخ حکومت استبدادی آکنده از شورشها و انقلاب‌های عمومی است (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۴).

لوطیان اصفهان در دوره فتحعلیشاه

اولین تظاهرات لوطیان در عرصه آشوب‌های اجتماعی در دوره قاجار در شهر اصفهان مربوط به خروج و یاغیگری حاجی هاشم خان پسر رجبعلی بختیاری ساکن محله قدیمی لُبنان اصفهان است. منابع قاجار در باب عملکرد او متفق‌القول، گزارش‌های منفی و گاهی متناقض ارائه کرده‌اند. او برادر زن عبدالله خان امین‌الدوله حاکم اصفهان بود. امین‌الدوله فرزند محمدحسین خان اصفهانی از اعیان و اشراف با نفوذ اصفهان بود. در زمان حکومت پسر امین‌الدوله، میرزا علی محمدخان، اهالی لبنان به رهبری حاجی هاشم خان که از لوطیان با نفوذ محسوب می‌شد شورش کردند و به تصاحب اموال ثروتمندان پرداختند. لسان‌الملک سپهر (۱۳۷۷: ۳۵۶-۳۵۵) می‌نویسد: «بسیار افتاد که به خانه تجار در رفتند و اموال ایشان را با شکنجه بگرفتند، چنان شد که نه حاجی هاشم خان را در پایان امر آن قوت بود که جماعت خود را از آن درازدستی منع کند و نه عبدالله خان امین‌الدوله به سبب زن و فرزند توانست حاجی هاشم خان را دفع دهد.» عبدالرزاق دنبلی او را ثروتمند و دولت‌مند می‌داند اما علیرغم آن می‌نویسد: «با اینکه او را دولت و ثروتی بود که احتیاج به مال کسی نداشت، از نهایت طمع و بدآموزی اشرار بختیاری از سرنا

خود، سراسر کوچه و بازار و بنا بود، اینک آشکار است. بخش عمده بازارها و محلات ویران و خالی از سکنه است.» کرزن (۱۳۴۹: ۵۴۹) آن را شهری غم‌انگیز و متروک و در حال انحطاط تصور می‌کند میرزا حسین خان تحویلدار اصفهان گزارشی هولناک از نابودی و زوال صنوف صاحب نام اصفهان که در دوره صفویه در کمال ترقی بودند، ارائه می‌دهد. او تأکید می‌کند که صنف رنگرز، چیت‌ساز، زری‌باف، نساج، شیشه‌ساز، کاغذ‌ساز، تفنگ‌ساز، شعرباف، در حال زوال‌اند (حسین بن محمد: ۱۳۴۲: ۱۲۴-۶۶). در چنین شرایط اجتماعی جامعه در برابر هنجارهای رسمی دست به مقاومت می‌زند و به اصطلاح به کج‌روی و بی‌هنجاری متمایل می‌شود. در چنین شرایط کج‌روی و شورش نتیجه نارسایی‌های موجود در فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه قلمداد می‌شود. (کوئن: ۱۳۷۲: ۱۲۶؛ گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۴۰؛ سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۲۷). مرتن نشان می‌دهد که چگونه ممکن است کج‌روی و هنجارشکنی و شورش علیه ساختارهای سیاسی و اجتماعی به شکلی سازمان‌یافته توسط خود جامعه، ایجاد شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶: ۳۲۸؛ ورسلی، ۱۳۷۸: ۱۱۷-۱۱۵). بسیاری از گروه‌های اجتماعی در دوره قاجار به‌ویژه اصحاب حرف و گروه‌های شهری، برای مبارزه با فساد و رهایی از ظلم و تنگدستی دست به هنجارشکنی و شورش زدند. البته در اینجا مراد ما از کج‌روی الزاماً اعمال بزهکارانه نیست بلکه هر نوع اقدام مخالف با نظام حکومتی که پیوستگی اجتماعی را تهدید می‌کند. گروه‌های بیشماری از تنگستان شهری که

اسماً- جهت تنبیه حاجی هاشم خان بود- ولی باطناً برای گوشمال یکی از علمای بزرگ آن عهد بود که زیاده از حد اعتدال، به کار سلطنت دخل و تصرف می کرد. (ظل السلطان، ۱۳۶۸: ۳۸۳-۳۸۲). البته *ناسخ التواریخ* به شکایت علمای اصفهانی در باب هتک حرمت مردم و اخذ مال ایشان به دربار اشاره کرده است. (لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۵۵۵). از نتایج این لشکرکشی سرکوب لوطیان لبنانی، عزل عبدالله خان امین الدوله از صدارت و برکناری فرزندش از حکومت اصفهان است (همان: ۳۵۶؛ مفتون دنیلی، ۱۳۸۳: ۵۰۲؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷) فتحعلیشاه نیز که چندان به فکر خشکاندن ریشه این حوادث نبود به فکر تاراج غنایم بود؛ به طوری که *ناسخ التواریخ* می نویسد: «لاجرم پادشاه عادل بعد از ورود به اصفهان، حاجی هاشم خان را مأخوذ داشته از هر دو چشم نابینا ساخت و فرمود چون امین الدوله در تأدیب حاجی هاشم خان مسامحت کرد، اگر خواهد از محل خود ساقط نشود ۵۰,۰۰۰ تومان زر مسکوک به خازنان حضرت سپارد.» (لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳۵۶). فتحعلیشاه پس از عزل امین الدوله، شاهزاده محمد میرزا را به حکومت اصفهان منصوب کرد و او را سیف الدوله لقب داد و یوسف خان گرجی را در خدمت سیف الدوله شاغل خدمت کرد (همان؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۱۷؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۷: ۱۵۶۶/۳). فتحعلیشاه در سال ۱۲۵۰ ق در اصفهان درگذشت و این در حالی بود که در اواخر عمرش برخی از لوطیان اصفهان به سرکردگی رمضان شاه به غارت شهر پرداخته بودند. حتی گفته می شد رمضان شاه به نام خود سکه زده بود. (ناطق، ۱۹۸۸: ۶۳-۶۱؛

انصافی و اجحاف و طمع در مال رعایا و اعیان و اشراف، شب نوکران بختیاری خود را برداشته در کوچه های اصفهان می گردیده است؛ به خانه متمولین و تجار و خواجهگان مالدار در می آمده اند.» (مفتون دنیلی، ۱۳۸۳: ۵۰۰). تجار در دوره قاجار، برخلاف صنعتگران و اهل حرف که صدمات جبران ناپذیری خورده بودند به واسطه تجارت و عدم پرداخت مالیات از مرفه ترین اقشار اجتماعی ایران بودند. فشاهی (۱۳۶۱: ۲۲۷) می نویسد: «بازرگانان به عکس اروپا، بالکل از پرداخت مالیات دولتی معاف بودند، همین امر سبب می شد تا بورژوازی تجاری از هر وسیله برای ازدیاد ثروت خود استفاده نماید» گوینو در باب وضعیت تجار ایران می نویسد که تجار ایرانی با رعایت بنیه اقتصاد ایران بسیار ثروتمند هستند، زیرا آنان از پرداخت مالیات بردرآمد و صدها عوارض دیگر معاف اند. (گوینو، بی تا، ۳۲؛ شعبانی، ۱۳۸۷: ۵۵۲) گسترش ناامنی و شرارت سبب شد امین الدوله و بسیاری از تجار و ثروتمندان برای رهایی از این بحران دست به دامان فتحعلیشاه شوند. در باب ارتباط حاجی هاشم خان با علما بیشتر منابع دوره قاجار چیزی ننوشته اند و تنها به ارتباط سببی او و خاندان امین الدوله اشاره کرده اند؛ اما ظل السلطان در سرگذشت مسعودی ضمن شرح سرکوب حاجی هاشم خان علت لشکرکشی به اصفهان را تنبیه حجه الاسلام شفتی می داند: «فتحعلیشاه مرحوم- برای تنبیه اهل اصفهان و کشتن الواط و سیاست اشرار به اصفهان آمدند ... لبنان را خراب و ویران کرده و حاجی هاشم خان را با دویست نفر از بستگان، چه کشتند و چه بی خانمان کردند ... و

جلالی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

و نسبت به جامعه‌ای که در میان آنها می‌زیستند حالت انگلی داشتند؛ چنانکه، به طور کلی، افرادی که برایشان در دسری پیش می‌آمد می‌بایستی در جلب توجه مقامات محتاط باشند و به داوری رهبران محلی که از بزرگان و اعیان شهر بودند تکیه کنند (کمبریج، ۱۳۸۸: ۵۸۱-۵۸۰). اما آن‌طور که از منابع بر می‌آید، خسروخان چندان مایل به جلب نظر بزرگان محلی به‌ویژه روحانیون نبود. ملک‌المورخین می‌نویسد: «در سنه ۱۲۵۳ ق خسروخان گرجی حاکم اصفهان چند فقره شفاعت علمای شهر را قبول ننمود مردم بر او شوریدند و او را در عمارت هفت دست محصور داشتند» (ملک‌المورخین، ۱۳۹۲: ۱۷۳). سیدمحمدباقر شفتی در مخالفت با محمدشاه به اتفاق میرمهدی امام جمعه و حمایت لوطیان شهر و لوطیان تحت امر خود علیه خسروخان به صورت آشکار وارد یک مبارزه جدی شدند. او رهبری مبارزه را بر عهده داشت. (الگار، ۲۵۳۶: ۱۸۲؛ ظل السلطان، ۱۳۶۸: ۳۸۳؛ ملک‌المورخین، ۱۳۹۲: ۱۷۳؛ فلور، ۱۳۶۶: ۱۸۲). الگار می‌نویسد که در اصفهان رابطه مداومی میان لوطی‌ها و مراجع دینی وجود داشت. لوطی‌ها نیروهایی بودند که می‌شد آنان را علیه حکومت به جنگ واداشت (Algar, 1969: 110). فرخ‌خان کاشی‌غفاری (امین‌الدوله) جهت آگاهی و تحقیق ماجرا از سوی محمد شاه عازم اصفهان شد، وی به محض ورود و آگاهی از ضعف حاکم و مخالفت شدید مردم از وی، او را به تهران اعزام و خود تا آمدن فضل‌علی خان حاکم جدید، چهار ماه موقتاً حاکم اصفهان بود. (ملک‌المورخین، همان). بین سال‌های ۱۲۵۳

لوطیان در عهد محمدشاه قاجار

در عهد محمدشاه ناآرامی‌ها و شورش‌های گوناگونی در شرح‌های ایران به وقوع پیوست و در اصفهان نیز شورش‌هایی روی داد. از آنجا که لوطیان پای ثابت شورش‌های شهری بودند در شورش اصفهان نقش بسیار کلیدی و مهمی داشتند. اینکه دولت لوطی‌ها را شدیدتر از بقیه گروه‌ها به کیفر می‌رساند نشان از آن دارد که آنها در اغتشاش‌ها نقش چشمگیری داشته‌اند (مارتین، همان ۱۵۳). تصور می‌شد گروه‌های گوناگونی با خاستگاه طبقاتی، اجتماعی و دینی در این مبارزه شرکت داشتند. به قول فوران (۱۳۹۰: ۳۲۲) «در هنگامه نارضایتی طیف گسترده‌ای از طبقات تحت سلطه و بینابینی، هم‌زمان با مساعدت اوضاع و شرایط خارجی به حالت انفجار پدید می‌آیند». یکی از سنت‌های تاریخ ایران همین ائتلاف چندگانه به هنگام مبارزه است؛ اما همین که دستاوردهایی به دست آورده‌اند به علت همین اختلافات طبقاتی و دینی و ... از یکدیگر جدا و متفرق می‌شوند و جنبش با شکست روبرو می‌شود. (همان). در اواخر حکومت فتحعلیشاه، آشوب‌ها و ناامنی‌هایی در اصفهان، به ویژه از ناحیه لوطیان، در شهر ایجاد شد. محمدشاه در سال ۱۲۵۰ ق سیف‌الدوله حاکم را عزل و خسروخان گرجی را به حکومت اصفهان منسوب کرد. او از رجال مهم و با نفوذ دوره فتحعلیشاه و محمدشاه بود. (بامداد، ۱۳۸۷: ۴۸۰-۴۷۹). در بیشتر موارد، حاکم و اطرافیان نسبت به مردم شهر «غریبه» بودند

تا ۱۲۵۵ ق عملاً اصفهان زیر سلطه ناراضیان و گروه های مخالف دولت، به ویژه لوطیان، بود و اعمال و فجایعی نیز در این سال ها به وقوع پیوست. البته این منابع به دلیل گرایش حکومتی به شدت اعمال لوطیان را تقبیح کرده اند. ناسخ *التواریخ* در شرح حوادث سال ۱۲۵۵ ق می نویسد: «هم در این سال اشرا و اباش اصفهان سر به طغیان برآوردند و اهل صلاح و فلاح را آسوده نمی گذاشتند. چه بسیار شب ها که مردم فاجر به خانه مرد تاجر در می رفتند، زن و فرزندش را فضاحت می کردند، اموال و ائقالش را به غنیمت می بردند. اگر او را به جان امان داده و بامداد از در دادخواهی یاد از حدیث شبانه می کرد بی گمان شب دیگر سر از تنش برمی داشتند» (لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۷۴۱/۱). در همین راستا نیز ملک المورخین (۱۳۹۲: ۱۷۴) می نویسد:

«شبانه به خانه متمولین و تاجر می رفتند و به تهدید قتل، پول می گرفتند و به مصارف لهو و لعب خود می رساندند. هدایت نیز در *فهرس التواریخ* اقدامات لوطیان را اینگونه گزارش می دهد: «در اصفهان جمعی از رنود سرقت و دزدی و بی حسابی با رعایا و برایا و بی حرمتی با فضلا و علما موافقتی داشتند.» (هدایت، ۱۳۷۳: ۴۵۳)؛ اما در گزارش اعتضادالسلطنه در *اکسیر التواریخ* (۱۳۷۰: ۵۱۳) به مطلبی اشاره شده است که نشانگر وسعت و کمیت جماعت لوطیان و آشوبگران است که خیلی سریع همانند گیاه تره رشد کرده اند. او می نویسد: «گرگان میش منش اصفهان و اهریمنان

بدکنش آن سامان به مال بازرگان و عرض بیچارگان دست برآوردند و هر چند حکام و عمال خوشه حیات ایشان را به داس دروند مانند گندنا^۱ یک پرده نمو نمودند» یک وجه مشترک این گزارشات غارت ثروت تجار و بازرگانان و ثروتمندان است. مارتین بر این باور است که شورش اصفهان جدای از نزاع های اصحاب قدرت محلی، جنگ میان یک عده شورشی تمام حرفه ای و دزد و سارق که صرفاً حرفه آنها دزدی و آشوب است نبود بلکه حضور تنگدستان فراوان در این شورش نشان از تعداد بی شمار جوانان بیکار و لابلالی که بر حلقه لوطیان پیوسته بودند، دارد. (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۵۳). در واقع در این شهر نوعی جنگ طبقاتی در گرفته و گروه های تنگدست جامعه اموال و دارایی گروه های ثروتمند به خصوص اموال تجار و بازرگانان را به سرقت می بردند. (همان؛ ملک المورخین، ۱۳۹۲: ۱۷۴)؛ لسان الملک، ۱۳۷۷: ۲۵۴/۳؛ هدایت، ۱۳۷۳: ۴۵۳؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۱۳). محمدشاه بعد از حل موقت مسئله هرات برای سرکوب شورش اصفهان شخصاً به اصفهان لشکرکشی کرد. و به قول ظل السلطان (۱۳۶۸: ۳۸۳) «با شصت هزار قشون و هشتاد عراده توپ برای تنبیه الواط اصفهان تشریف آوردند و برای گوشمال اهل اصفهان چقدر خونریزی کردن و چقدر آدم کشتند» این عبارت نشانگر آن است که اولاً ابعاد شورش بسیار گسترده و وسیع بود که نیروی عظیمی برای سرکوب آن بسیج شده بود؛ دوم اینکه، در جایی «تنبیه الواط»

۱. گیاه تره که خیلی زود می روید

۴۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کردند (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۵۳) عده‌ای نیز به آذربایجان تبعید کردند (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۵۱۴). در دوره قاجار مخالفان و مجرمان با کیفری سخت مجازات می‌شدند. (سرنا، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۳۲؛ بروکش، ۱۳۷۴: ۱۶۲؛ ماسهارو، ۱۳۹۰: ۲۱۶-۲۱۵؛ جابری اصفهانی: ۱۳۷۷: ۵۵۷) کاسپار دروویل^۱ (۱۳۸۹: ۱۹۲) می‌نویسد: «جرائم کم و بیش بزرگ را غالباً با بریدن دماغ، گوش و دست و یا درآوردن چشم و یا اعدام مجازات می‌کنند» فلاندن در جریان سرکوب شورش اصفهان می‌نویسد: «برخی را چشم در می‌آوردند و قسمی را ناخن و دندان می‌کشید، بعضی را تا نیمه تن در خاک کرده بقسمی که سرشان در زمین فرو می‌رفت... پاهایشان را معلق می‌داشتند.» (فلاندن، ۱۳۵: ۲۵۳۶: ۱۳۶-۱۳۴). در بیان شدت عمل محمدشاه و فضای امنیتی و نظامی اصفهان عبارات تحویل‌دار اصفهان، میرزا حسین خان چقدر شیوا و رسا است: «معبرها و قراولخانه‌های شهر جمیعاً چاتمه سرباز مستحفظ، از خان‌ها تفنگ می‌خواستند و از اعیان و ملاها مقصر، از ساکنین بلده و دهات سیورسات، از مالکین و عمال شهر و بلوکات هشتاد هزار تومان بقایای لاوصول سنوات، ملاها بدنام، اکابر و ارکان متهم، اعیان و اشراف مخوف، الواط، خونخوار، مفسدین مخفی، کسبه و زارعین مستأصل، سلطان زمان در غضب، ... توپچیان و سربازان قیامت پیا کردند. میرغضبان خون اشرار ریخته، برات داران نابلد با اشخاص ناشناس آویخته، آحاد ناس بذکر «وانفسا» گرفتار، فردی از

و در جایی برای «گوشمال اهل اصفهان» را مطرح می‌کند. این امر نشان دهنده جایگاه اجتماعی و توده‌ای این شورش بود و اینکه لوطیان در میان مستمندان پایگاه محکمی داشتند و از سوی برخی از نخبگان مذهبی و سیاسی نیز حمایت می‌شوند؛ سوم اینکه، نشان دهنده خونریزی و کشتار بی‌رحمانه لوطیان و مخالفان است. شدت عمل حکومت با لوطیان نشان‌دهنده نقش فعال و چشمگیر لوطیان است. (مارتین، ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۲۸). حاج غلامحسین رهبر لوطی‌های اصفهان با شدیدترین شکل ممکن زیر شکنجه کشته شد. دوسرسی که در زمان حضور محمدشاه در اصفهان بود می‌نویسد: «قطعه‌های نازک چوب زیر ناخن‌هایش خرد کرده، سپس تمام دندان‌های او را کشیده و روی سرش کوبیده بودند» (دوسرسی، ۱۳۶۲: ۱۹۲-۱۹۱). محمدشاه به رهبران مذهبی بی‌مهری کرد. او جرأت نکرد آنان را به قتل برساند ولی سعی کرد با سرکوب ابزار شورش آنها، یعنی لوطیان، آنها را خلع سلاح کند. قدر مسلم طبیعی بود طی این حوادث برخی از اوباش و اشرار با استفاده از نام لوطی یا سوء استفاده از نام برخی از علما سبب آزار بیگناهان شده و از شرایط موجود به نفع خود بهره‌برداری کرده باشند. فلاندن در سفرنامه خود می‌نویسد: «من با چشم خود بسیاری از زنان را دیدم که در اثر حس انتقام با چشم اشکبار باز تقاضا داشتند بدان‌ها اجازه داده شود دست و سر این جنایت‌کاران را که آنها را بی‌عصمت کرده بودند، ببرند (فلاندن، ۱۳۵: ۲۵۳۶) ۲۷۰ نفر را کشتند و

افراد را یارای گفتار نبود». (حسین بن محمد، ۱۳۴۲: ۸۷) حکومت سعی داشت با اعمال شکنجه‌ها و سرکوب شدید مخالفان زمینه بروز و ظهور اینگونه شورش‌ها را بخشکاند. اما خواهیم دید که این شدت عمل‌ها نتیجه پایداری نداشت.

لوطیان اصفهان در دوره ناصرالدین شاه

در دوره ناصرالدین شاه به ویژه در سال ۱۲۶۵ ق، شورش بزرگی در اصفهان با ائتلاف گروه‌هایی از روحانیون، خاندان‌های بانفوذ و لوطیان روی داد. به تعبیر همایون کاتوزیان (۱۳۷۹: ۲۲) «از آنجا که دولت استبدادی پایگاه اجتماعی- یا دیرین- (و مشروعیت مبتنی بر قانون) نداشت، طبیعی بود که بسیاری- اعم از بلندپایه و دون رتبه- به شورش پیوندند». در سال ۱۲۶۵ ق سلیمان خان خانان از حکومت اصفهان برکنار شد و به فرمان ناصرالدین شاه قاجار غلامحسین خان سپهدار حاکم اصفهان شد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۷۸/۳، اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳/۱۷۰۱). غلامحسین خان، محمدحسن خان خلیج را به نیابت خود پیش‌تر به اصفهان فرستاد و خود نیز بعد از انجام مقدمات لازم در روز چهاردهم رمضان ۱۲۶۵ هـ ق وارد شهر اصفهان شد (همان). چندی بعد سیدمحمد امام جمعه و جماعت اصفهان بود، برای خواندن نماز جمعه به مسجد شاه رفت. در این هنگام یکی از همراهان و اصحاب امام جمعه در ورودی مسجد با سربازی بر سر مسئله نامعلومی به مجادله پرداخت و کار به زد و خورد کشید و بواسطه مداخله افرادی از دو طرف غوغایی برخاست. امام جمعه از مسجد

بیرون آمد تا فتنه را خاموش کند. اما سربازان حرمت او را نداشتند و به او توهین شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۰۱/۳؛ لسان‌الملک، ۱۳۷۷: ۱۰۷۸/۳؛ ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۴۸؛ صدیق‌الممالک، ۱۳۶۶: ۱۰۴-۱۰۱). امام جمعه به خانه سپهدار حاکم اصفهان رفت و از رفتار نظامیان شکایت کرد و قرار شد فردا در میدان شاه با حضور سپهدار سربازان تنبیه شوند (همان). در چنین شرایطی فرصت لازم برای ائتلاف مخالفان و مبارزه با حکومت فراهم شد. یکی از این مخالفان یک شاهزاده صفوی به نام احمد میرزا بود که از مادر به سلاطین صفویه می‌رسید. آن‌طور که از منابع استناد می‌شود او خود از لوطیان بود. نقش او در این آشوب‌ها بسیار پر رنگ است. ظاهراً در تحریک مردم و لوطیان نقش زیادی داشت و لوطیانی مسلح در اختیار داشت. روز بعد از حادثه در مسجد جامع جمع شده و گروه بسیاری از بازاریان و عوام و لوطیان حضور داشتند و فریاد می‌کشیدند که پادشاه توهین امام جمعه را خواهیم داد. (همان؛ ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۴۸؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۰۱/۳) سپهدار برای رفع غایله و اصلاح امور محمدحسین خان نایب‌الحکومه را برای گفتگو با مخالفان به مسجد فرستاد. به محض ورود او به مسجد احمد میرزا «با او به منازعه برخاست و کار منازعه به مفاحشه رسید. (صدیق‌الممالک، ۱۳۶۶: ۱۰۴-۱۰۱). احمد میرزا با چوبی که در دست داشت بر سر محمدحسین خان نایب‌الحکومه زد و لوطیان را به کشتن او فراخواند. لوطیان نیز ضربات مهلکی بر او وارد کردند و امام جمعه نیز نتوانست مانع اقدام

برادرش خواست تا از حمایت لوطیان و احمد میرزا دست بردارد (همان). او به اتفاق آقامحمد مهدی پسر و جانشین حاجی محمد ابراهیم کلباسی و امام جمعه به حسین خان سپهدار فتوا دادند که ریختن خون شورشیان مباح است: «این جماعت اشرار را محارب و واجب‌القتل شناخته‌ایم» (همان؛ الگار، ۲۵۳۶: ۱۸۰؛ صدیق الممالک، ۱۳۶۶، ۱۰۲). این افراد بعد از امضای فتوا و حکم فوق آن را به دست سپهدار حاکم اصفهان دادند. دسته‌بندی، و وجود اختلاف‌ها سبب شد موقعیت مخالفان تضعیف شود و این حکم مشروعیت لازم جهت سرکوب شدید مخالفان را فراهم آورد. مخالفان در رأس افرادی چون میرزا عبدالحسین و احمد میرزا، حسین نیک آبادی، زین‌العابدین و حاجی محسن و جمعی دیگر از سران لوطیان با تشکیل گروه‌های نظامی کوچک که جمعاً حدود ۳۰۰۰ تن بودند به سنگربندی پرداخته و جنگ سختی در گرفت. این ایام مصادف با ماه محرم بود. در تاریخ ۱۸ محرم ۱۲۶۵ ق سپهدار با آرایش جدیدی برای قلع و قمع لوطیان و سران آنها اقدام کرد (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳/۱۰۸۰). شیخعلی خان سرهنگ به اتفاق جمعی از فرماندهان و گروهی از لشکریان با حمایت توپخانه به سنگرهای لوطیان حمله بردند و خانه‌های مخالفان غارت شد. در این میان، میرزا زین‌العابدین پسر مرحوم محمدباقر شفتی که از میرزا محمد عبدالحسین و احمد میرزا (سران شورش) حمایت می‌کرد فتوایی با این مضمون صادر کرد: «آنانکه به خانه کسی بی اجازت در شوند، به حکم شریعت واجب‌القتل‌اند، و دفع ایشان فرض باشد» (همان). مقاومت سرسختانه لوطیان در محلات

آنان شود. (همان؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱/۳/۱۷۰). اعتمادالسلطنه می‌نویسد: اشرار فتنه‌جوی اصفهان که سرمنشأ آنها احمد میرزا ... و میرزا عبدالحسین مستوفی و محمدعلی خان و میرزا ابوالقاسم و غیره بودند بی‌رضای امام جمعه فتنه را بزرگ کردند و محمدحسین خان خلج، نایب‌الحکومه سپهدار را در مسجد بکشتند» (همان). ظاهراً، به گفته ناسخ‌التواریخ، محمدحسین خان بعد از دریافت ضربات شدید از لوطیان خود را به آبگیر مسجد انداخت. امام جمعه او را از آب گیر درآورده و به خانه خود برد و روز بعد حاکم اصفهان او را به اداره حکومتی برد؛ اما پس از دو روز درگذشت (لسان‌الملک سپهر، ۳/۱۰۷۹). سپهدار حسن آقای سرهنگ را برای دستگیری مخالفان از جمله احمد میرزا فرستاد. او به اتفاق گروهی از لوطیان و افرادی چون میرزا عبدالحسین و محمدعلی خان و ابراهیم خان برای مقابله با سپهدار متحد شدند. با حمله نیروهای سپهدار احمد میرزا، با خانواده‌اش به مسجد جمعه گریخت و در آنجا پناهنده شد و سربازان خانه‌اش را با خاک یکسان کردند. امام جمعه که با احمد میرزا میانه‌ای نداشت او را از مسجد بیرون کرد و او به ناچار به خانه میرزا زین‌العابدین پسر حاج سید محمدباقر شفتی - از مخالفان سرسخت دوران محمدشاه - رفت (همان). ظاهراً در آنجا با کمک انجمنی از لوطیان همه روزه از طریق کوچه‌های فرعی تا حوالی میدان شاه حمله کرده و ضرباتی را به نیروهای حکومتی وارد می‌ساخت. جنگ سختی در این روزها جریان داشت. سیداسدالله فرزند دیگر محمدباقر شفتی با شورشیان میانه‌ای نداشت و از

میان مردم مشتهر ساخت که این جنگ جهاد است و از بلده و بلوک نیز گروه گروه به مدد او رسیدند.» (لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۰۸۳/۳). شدت حملات قوای دولت سبب شکست شورشیان شد. سرانجام قرار شد سران شورش و برخی از سرکردگان لوطیان در معیت سیداسدالله فرزند محمدباقر شفتی که از مخالفان شورشیان محسوب می شد به تهران رفته و درخواست عفو کنند. چون از شهر خارج شدند، حاجی کیکاووس میرزا از فرماندهان و شاهزادگان قاجار به آنها حمله کرد. جمعی از لوطیان دستگیر و احمد میرزا و میرزا محمدعلی و حیدر میرزا به قم پناهنده می شوند. در آنجا فرزندان محمدحسین خان خلیج که در مسجد به دستور احمد میرزا کشته شده بود، به قصاص خون پدر در صحن مقدس حضرت معصومه آنها را کشتند. یکی دیگر از رهبران شورش میرزا عبدالحسین مستوفی در قریه ده نو اصفهان دستگیر و در اصفهان اعدام شد. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۷۰۱؛ لسان الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۳، ۱۰۸۶؛ صدیق الممالک، ۱۳۶۶: ۱۰۳، ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۴۸؛ خورموجی، ۱۳۴۴: ۷۷).

بحث و نتیجه گیری

لوطیان در فرهنگ و سیاست و، به طور کلی، در تاریخ اجتماعی ایران، تاریخی دیرپا دارند. در واقع، آنان از بازماندگان زوال یافته فرهنگ ریشه دار جوانمردی و فتوت و عیاری روزگاران پیش از خود بودند. فرهنگی که دیگر چندان رمقی از آن نمانده بود؛ اما با این همه، بسیاری از آنان سرشار

شهر مانع پیشروی قوای دولتی می شد و سپهدار از ناصرالدین شاه درخواست نیروی بیشتری کرد. به فرمان ناصرالدین شاه فوج سیلاخوری و سوار باجلان و بختیاری و سیدمحسن خان با افواج فیروزکوهی و فرماندهان دیگری به سوی اصفهان گسیل شدند. کمیت نیروهای اعزامی به اصفهان نشان از شدت این آشوب است. به ویژه که بیشتر لوطیان در این شورش مسلح بودند: «بالجمله آتش حرب افروخته گشت و این جنگ بر لشگریان بی نهایت صعب افتاد. چه از پس دیوارها و خانه ها اشرا را سنگرها و متقها بود و گلوله چون باران بهار باریدن داشت.» (همان) شدت مقاومت ها و گسترش جنگ در این سالها در اصفهان، رنگ مذهبی گرفتن این جنگ ها بود. در بحبوحه جنگ امام جمعه که ابتدا از مخالفان دولت و سپس از هواداران دولت شد بر منبر رفت و گفت هر کس: «پیرو این اشرا باشد، در دنیا عرضه شمشیر آبدار و در عقبی ساکن دارلبوار خواهد گشت. کفران نعمت پادشاه اسلام را به خاطر منهد و خاک این شهر را بر باد مدهید.» (همان). شاید شدت جنگ و افزایش کشته ها و آسیب های اقتصادی و اجتماعی و اختلافات ریشه ای امام جمعه و فرزند سیدمحمدباقر شفتی که ریشه در گذشته ها داشت یکی از عوامل این استراتژی از سوی امام جمعه بود. (الگار، ۲۵۳۶: ۱۸۱). قبل از موضع گیری تند امام جمعه روز قبل، که روز اربعین حسینی بود احمد میرزا با عده ای از لوطیان تعدادی از قوای دولتی را کشته بودند. (همان). میرزا عبدالحسین یکی از رهبران مذهبی شورش «علمی سبز بر بام مسجد حاجی سیدمحمد باقر افراشته کرد؛ و در

بسیج این گروه از جامعه بود. مع هذا، ستم حکام بر مردم تنگدست، این نقش لوطیان را پررنگ‌تر می‌ساخت. حضور آنان در شورش‌ها مانند شمشیری در دم تأثیرات دوسویه‌ای به دنبال داشت. اول تضعیف نیروهای قهریه دولت و دیگر آشوب و ناامنی، زیرا بسیاری از گروه‌های لوطیان در این دوره، به گروه‌هایی از اوباش تحلیل رفته بودند و در شورش‌های اصفهان این دو جنبه از حضور را می‌توان مشاهده کرد. بررسی تأثیرات سیاسی و اجتماعی لوطیان در شورش اصفهان نقش مهمی در غنای تاریخ اجتماعی و محلی شهر اصفهان خواهد داشت. حضور آنان در تحولات اجتماعی این شهر خود نشانی است از حضور سایر لوطیان شهرهای ایران در تحولات این دوره، که با پژوهش بعدی میسر خواهد شد.

منابع

- ابن بطوطه (۱۳۶۱). *سفرنامه ابن بطوطه*. ترجمه محمدعلی موحد. تهران. ۲ مجلد. علمی و فرهنگی.
- ابوالحسن تنهایی، حسین، (۱۳۸۲). *درآمدی بر مکاتب و نظریه های جامعه شناسی*. مشهد: نشر مرندیز، نشر بامشاد.
- احمدی، حمید و دیگران (۱۳۸۹). «تأثیرات انحصارات بر سرمایه اجتماعی» *نشریه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. سال دوم. شماره ۵. زمستان.
- ارجانی، فرامرز بن خداد (۱۳۶۳). *سمک عیار*. ۵ مجلد. تهران: نشر آگاه.
- اعتضاد السلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰). *اکسیرالتواریخ*. به اهتمام جمشید کیان فر. تهران: ویسمن.
- اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷). *تاریخ منتظم ناصری*. به تصحیح محمداسماعیل رضوانی. جلد دوم و سوم. تهران: دنیای کتاب.
- افشاری، مهرا (۱۳۸۱). *چهارده رساله در باب فتوت*

از ارزش‌های دیرپای حماسی ایرانی بودند و آشنا با دلیری‌های پهلوانان مورد علاقه خود و ملهم از شجاعت‌های امامان شیعه. لوطیان در اغتشاش سیاسی و شورش‌های شهری دوره قاجار عنصری همیشه حاضر و فعال بودند. اینکه لوطیان به ویژه در شورش‌ها و ناآرامی‌های دوره فتحعلیشاه و محمدشاه و ناصرالدین‌شاه در اصفهان شدیدتر از بقیه گروه‌ها به کیفر رسیده‌اند، خود نشان آن دارد که نقش لوطیان در اغتشاش‌ها بسیار چشمگیر بوده است. لوطیان اصفهان در دوره محمدشاه دقیقاً در سال ۱۲۵۶ ق کاملاً بر شهر مسلط شدند. سیطره لوطیان بر شهر سبب لشکرکشی فتحعلیشاه در سال ۱۲۴۰ ق، محمدشاه در سال ۱۲۵۶ و لشکرکشی به اصفهان در سال ۱۲۶۵ ق در دوره ناصری شد. لوطیان که از دیرباز در تاریخ شهرهای ایران دارای کارکردهای گوناگون سیاسی، اجتماعی و مذهبی بودند، در دوره قاجار همراه با تحولات اقتصادی و اجتماعی بسیاری از کارکردهای معیشتی خود را از دست داده، بی‌کارکرد شدند و یا تبدیل به گروه‌های کج‌کارکرد شدند. مهم‌ترین کارکرد سیاسی لوطیان در دوره قاجار «ایجاد آشوب‌های سیاسی» در جهت اهداف نخبگان سیاسی و مذهبی بود. مع هذا آنان به واسطه وجود ویژگی‌های کم‌رنگی از جوانمردی دارای فرهنگی خاص و متمایز از سایر اقشار جامعه داشته و از اصول اخلاقی خاص پیروی می‌کردند.

لوطی‌ها در دوره قاجار ابزاری بودند در برقراری عدالت اجتماعی و همواره خود مدافع ضعفا و حامی فقرا نشان داده‌اند و این یکی از دلایل مهم نفوذ آنان در طبقات تنگدست جامعه و قدرت

- و اصناف (فتوت و فتوت اصناف) تهران: نشر چشمه.
- انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران: سخن.
- اوحدی مراغه‌ای (بی‌تا). کلیات به تصحیح سعید نفیسی. کلیات مثنوی. جام جم.
- بامداد، مهدی (۱۳۸۷).
- بروکش، هنریش (۱۳۷۴). در سرزمین آفتاب. تهران: نشر مرکز.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶). جستاری در فرهنگ ایران. تهران: فکر روز.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه محمدتقی دل‌فروز. تهران: نشر روزنامه اسلام.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱). سفرنامه پولاک. ایران و ایرانیان. ترجمه کیکاووس جهاننداری. تهران: خوارزمی.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی. اعتماد. دمکراسی و توسعه. مترجم. افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: شیرازه.
- تاریخ سیستان، مولف نامعلوم (بی‌تا). به تصحیح ملک الشعرا بهار. به همت محمد رمضان. تهران: خاور.
- ترکمنی آذر، پروین و پرگاری، صالح (۱۳۷۸). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان. تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰). نظریه های جامعه شناسی. تهران: سمت.
- جابری اصفهانی، میرحسن خان (۱۳۷۷). آگهی شهان از کار جهان. یا (سالشمار تاریخ ایران) به کوشش رسول جعفریان. مندرج در نشریه میراث اسلامی ایران، دفتر هشتم. قم: کتابخانه آیت اله مرعشی.
- جلالی، نادره (۱۳۹۰). «لوطی‌گری در عصر قاجار» پیام بهارستان. سال سوم. شماره ۱۱. بهار.
- جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۹). سروته به کرباس. تهران: به کوشش علی دهباشی. سخن.
- جوادی یگانه، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰). «مرام و مسلک لوطیان در دوره قاجار» جامعه پژوهی و فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال دوم. شماره دوم. پاییز و زمستان.
- حاج سیاح (۱۳۶۴). خاطرات حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح. تهران: ابن سینا.
- حسام پور، سعید (۱۳۸۴). «نقش عیاری در فرهنگ و تمدن ایرانیان» مجله مطالعات ایرانی. سال چهارم. شماره هشتم: پاییز.
- حسین بن محمد بن ابراهیم، تحویل دار اصفهان (۱۳۴۲). جغرافیایی اصفهان. جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار و اصناف. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: دانشگاه تهران.
- خواند میر، غیاث الدین (۱۳۵۳). تاریخ حبیب السیر. زیر نظر محمدبیر سیاقی. جلد دوم. تهران: انتشارات خیام.
- خورموجی، محمدجعفر (۱۳۴۴). حقایق الاخبار ناصری. به کوشش حسین خدیج‌جم. تهران: زوار.
- دروویل، گاسپار (۱۳۸۹). سفرنامه. تهران: نیک فرجام.
- درونیان، هارتون (۱۳۷۹). تاریخ جلفای اصفهان. ترجمه لئون گ میناسیان و محمد علی موسوی فریدنی اصفهانی. زنده رود.
- دوسرسی، کنت (۱۳۶۲). ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰ م. ترجمه احسان اشراقی: تهران مرکز نشر دانشگاهی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه. جلد دوازدهم. تهران: دانشگاه تهران.
- رجایی، عبدالمهدی (۱۳۸۳). تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل السلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ اصفهان) به کوشش عبدالمهدی رجایی. اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- رحیم زاده، ملک (۱۳۴۵). سوسمار الدوله. تهران: انتشارات دنیا.
- ریاض خان، محمد (۱۳۸۲). «مختصری از نهضت فتوت در ایران و جهان اسلامی» جستارهای ادبی. شماره ۳۶.
- ریاضی هروی، محمد یوسف (۱۳۷۲). عین الوقایع. به اهتمام محمدآصف فکرت. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ریترز، جرج (۱۳۸۲). نظریه جامعه شناسی در دوران

- معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). *ارزش میراث صوفیه*. تهران: امیرکبیر.
- سرنا، کارلا (۱۳۶۳). *مردم و دیدنی‌های ایران*. ترجمه غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- سلیمی علی و داوری، محمد (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی*. تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲). *نظم و نظمیة در دوره قاجار*. تهران: یساولی (فرهنگسرا).
- شبانکاره‌ای، محمدبن علی بن محمد (۱۳۶۳). *مجمع الانساب*. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۱). *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: نشر قومس.
- شعبانی، رضا (۱۳۸۷). *مروری کوتاه بر تاریخ ایران*. تهران: سخن.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۵). *ایران در دوره سلطنت قاجار*. تهران: مدبر.
- صالحی، نصراله (۱۳۸۷). *اندیشه تجدد و ترقی در عصر بحران*. تهران: طهوری.
- صانعی، پرویز (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- صبوری زالو آبی، آرش (۱۳۹۱). *«عیاران» فصلنامه تاریخ پژوهی*. شماره ۵۱. تابستان.
- صدری افشار و دیگران (۱۳۸۸). *فرهنگ نامه فارسی*. جلد دوم. تهران: فرهنگ معاصر.
- صدیق الممالک، میرزا ابراهیم شیبانی (۱۳۶۶). *منتخب التواریخ*. تهران: علمی.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۰). *اخلاق ناصری*. به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری. تهران: خوارزمی.
- طهرانی، محمدعلی (کاتوزیان) (۱۳۷۳). *فرهنگ کاتوزیان*. تهران: یلدا.
- ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۸). *خاطرات ظل السلطان*. جلد اول. سرگذشت مسعودی. به اهتمام و تصحیح حسین خدیو جم. تهران: اساطیر.
- عبادی مروزی، قطب الدین ابوالمظفر (۱۳۶۲). *مناقب العارفین*. به کوشش محمدتقی دانش پژوه و ایرج افشار. تهران: منوچهری.
- عروج نیا، پروانه (۱۳۹۳). *«جوانمردی و فتوت: تمایز و تشابه» کتاب ماه فلسفه*. شماره ۷۹. فروردین.
- عمید، حسن (۱۳۷۴). *فرهنگ فارسی عمید*. جلد سوم. تهران: امیرکبیر.
- عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳۶۶). *قابوسنامه*. به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: علمی و فرهنگی.
- فشاهی، محمدرضا (۱۳۶۱). *تکوین سرمایه‌داری در ایران*. تهران: انتشارات گوتنبرگ.
- فلاندن، اوژن (۲۵۳۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نورصادقی. تهران: چاپخانه اشراقی.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶). *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*. ترجمه ابوالقاسم سم مسری. تهران: انتشارات توس.
- فوران، جان (۱۳۹۰). *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*. ترجمه احمد تدین تهران: رسا، چاپ یازدهم.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). *پایان نظم سرمایه‌داری و حفظ آن*. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات حکایت قلم نوین.
- قاسمی، محمد (۱۳۸۱). *عیاران در سیستان*. زابل: دانشگاه زابل.
- کاشفی، حسین واعظ (۱۳۵۰). *فتوت نامه سلطانی*. به کوشش محمدجعفر محجوب. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- کاهن، کلود (۱۳۸۹). *«فتوت به مثابه ساختار اجتماعی»*. مترجم علی رضا رضایت. فلسفه و کلام. شماره ۵۴. شهریور.
- کربن، هانری (۱۳۸۳). *آیین جوانمردی*. ترجمه احسان نراقی. تهران: نشر نو.
- کرزن، جرج (۱۳۴۹). *ایران و قضیه ایران*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۵۱). *تاریخ مشروطه ایران*. تهران: امیرکبیر.
- کمبریچ، (۱۳۸۸). *تاریخ ایران دوره افشاریه*. زند و قاجار. بر سرپرستی پیتراوری. ترجمه مرتضی نایب

- فر. معتقدی، ربابه (۱۳۷۶-۱۳۷۵). پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد. لوطیان و لوطی‌گری در دوره قاجار. استاد راهنما. علی اصغر مصدق. استاد مشاور، الهیار خلعتبری. دانشگاه شهید بهشتی.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. جلد دوم. تهران: امیرکبیر.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۵۱). *مآثر سلطانیه*. تاریخ جنگ های ایران و روس. با مقدمه و فهرستها به اهتمام غلامحسین صدری افشار. تهران: ابن سینا.
- (۱۳۸۳). *مآثر سلطانیه*. تصحیح و تحشیه. غلامحسین زرگری نژاد. تهران: مؤسسه انتشارات روزنامه ایران.
- ملک المورخین، عبدالحسین خان لسان السلطنه سپهر (۱۳۹۲). *سفرنامه و تاریخ اصفهان*. به کوشش حسن جوادی. تهران: انتشارات ثریا.
- ناطق، هما (۱۹۸۸). *ایران در راه یابی فرهنگی*. لندن: انتشارات پیام.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. تهران: نیلوفر.
- نعمانی، فرهاد (۱۳۵۳). *توسعه صنعت در دوره قاجار و اثر غرب بر آن*. کتاب الفبا. تهران: امیرکبیر.
- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء). (۱۳۵۷) *فرهنگ نفیسی*. جلد چهارم. تهران: خیام.
- ورسلی، پیتر (۱۳۷۸). *نظام اجتماعی در نظریه های جامعه شناسی*. ترجمه سعید معیدفر. مجموعه علوم اجتماعی. تهران: تیبان.
- ولایتی، علی اکبر (۱۳۹۲). *دانشنامه جوانمردی (فتوت) ریشه ها و خاستگاه*. تهران: امیرکبیر.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۷۳). *فهرس التواریخ*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). *دولت و جامعه در ایران*. انقراض قاجار و استقرار پهلوی. ترجمه. حسن افشار. تهران: مرکز.
- Algar Hamid (1969). *Religion and state in Iran. 1785-1906: The Role of the ulama in the gagar period*. University of California lasangelss.
- Bonine, Michael and Keddie, Nikki (1981), *Modern Iran, the dialectics of*
- گوئن، بروس (۱۳۷۲). *مبانی جامعه شناسی*. ترجمه و اقتباس. غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
- الگار، حامد (۲۵۳۶). *دین و دولت در ایران*. نقش علما در دوره قاجار. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: توس.
- گرانن واتسن، رابرت (۱۳۵۴). *تاریخ ایران دوره قاجار*. ترجمه ع، وحید مازندرانی. تهران: سیمرخ. گزارش نظمیه از محلات تهران (۱۳۷۷). *رپورت وقایع مختلف محلات دارالخلافه، ۱۳۰۵-۱۳۰۳* هجری قمری. دو مجلد. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.
- گوینو، کنت (بی تا). *سه سال در ایران*. ترجمه ذبیح اله منصور. تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *جامعه شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشرنی.
- لسان الملک سپهر، محمد تقی (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ*. تاریخ قاجاریه. جلد سوم. سلطنت ناصرالدین شاه. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- لمتون. آن.ک.س (بی تا). *نگرشی بر جامعه اسلامی ایران*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: بی تا.
- مارتین، و نسا (۱۳۹۰). *عهد قاجار*. مذاکره. اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم. ترجمه حسن زنگنه. تهران: نشر ماهی.
- ماساهارو، یوشیدا (۱۳۹۰). *سفرنامه یوشیدا ماساهارو*. نخستین فرستاده ژاپن به ایران. ترجمه و تحقیق. هاشم رجب زاده. مشهد: آستان قدس.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳). *مقدمات مشروطیت*. به کوشش حمید تفرشی. تهران: فردوسی.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱). *شرح زندگانی من*. تاریخ اجتماعی. اداری دوره قاجار. جلد یکم. تهران: نشر کتاب، هرمس.
- مسعود انصاری، عبدالحسن. بی تا. *زندگانی من و نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان*. ج ۱. بی جا: ابن سینا.
- مشیری، مهشید (۱۳۷۱). *نخستین فرهنگ الفبایی- قیاسی زبان فارسی*. تهران: سروش.

- Martin vanesa(2005). *the gajar pact: Bargaining protest and the state*, in nineteenth century Persia.
- Moore, B, (1915). *from Moscow to Persian Gulf*. New Yourk.
- Poulson.c.Stephen.(2005).*social Morement in twentieth century Iran*.
- ...
- continuity and change, published by university of new Yourk press.
- Grothe, Hugo (1910). *wander ungen in persien*, berlin.
- iranica. Willem floor/originally published-march.15.2010.
- Lamton, A.K.S. (1954). *Islamic Society in Persia.*, axford.
- Luti- Encyvolpaedia Iranica. 2010- 3-15. Retrieved,2014.